

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه بحث گذشته

در جلسه گذشته بیان شد قبل از اینکه بحث کنیم که آیا توبه مرتد فطری قبول می شود یا نه و قبل از بررسی اقوال پنج گانه ای که دیروز گفتیم، یک بحث قرآنی و فقهی مهمی در اینجا مطرح می شود و آن این که در دو آیه قرآن خدای تبارک و تعالی می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ» که تا اینجا بین آیه 48 نساء و 116 مشترک است، خدا شرک را نمی بخشد و ما دون شرک را می بخشد آن هم «لمن يشاء»، بعد در آیه 48 نساء می فرماید: «وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَى إِثْمًا عَظِيمًا»، که این به منزله تعلیل است خدا چرا شرک را نمی بخشد؟ چون کسی که شرک بورزد اثم عظیمی را انجام داده و آن افترای بر خداست و افترا هم اثم عظیم است. خداوند در آیه 116 نساء می فرماید: «وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا». در این دو آیه خدا شرک را مورد غفران قرار نمی دهد.

خداوند در آیه 53 سوره زمر می فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»؛ خدا همه ذنوب را خدا می بخشد.

احتمالات در جمع بین آیات

حال باید دید که بین این دو آیه در سوره نساء و این آیه در سوره زمر چه نسبتی وجود دارد؟ در اینجا سه احتمال وجود دارد:

1. دو آیه سوره نساء مخصص این «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» است؛ یعنی بگوئیم خدا همه ذنوب را می بخشد مگر شرک که قابل بخشش نیست.

2. احتمال دیگر این است که این «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» ناسخ برای «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ» باشد.

3. احتمال سوم این است که این دو آیه اختلاف موضوعی دارند، به این معنا که بگوئیم «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ»؛ یعنی بدون توبه، یعنی جایی که کسی مشرکاً از دنیا می رود، با حال شرک از دنیا می رود و توبه نکرده، او را خدا در قیامت نمی بخشد اما مسلمانی بوده که گناهای را انجام داده و بدون توبه از دنیا رفت، خدا لمن يشاء (نه برای همه اینها) آنچه مورد مشیت الهی قرار بگیرد خدا او را می بخشد. لذا بگوئیم دو آیه سوره نساء فرضش عدم توبه است، اما این آیه سوره زمر «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا»، فرضش در جایی است که مسئله توبه مطرح باشد؛ یعنی طبق آیه سوره زمر اگر انسان از شرک هم توبه کرد خداوند می پذیرد، در توبه فرقی نمی کند که آن گناه شرک باشد یا شرک نباشد.

مرحوم علامه بر احتمال سوم اصرار داشته و می‌فرماید: بین این دو آیه اختلاف موضوعی است، «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ» یعنی در فرضی که توبه نکند، اما «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً»، هم شرک و هم غیر شرک در فرضی است که توبه کند. بعد می‌فرماید: «أما التوبة فالآية غير متعوضة لشأنها من حيث خصوص مورد الآية؛ لأن مواردها عدم الايمان و لا توبة معه»؛ مورد این آیه عدم الايمان است؛ یعنی فرض این است که اینها ايمان ندارند و با فرض عدم ايمان توبه معنا ندارد، کسی که مؤمن نیست خدا را قبول ندارد و توبه جایی است که انسان خدا را قبول داشته و بگوید من حالا می‌خواهم به سوی خدا برگردم، توبه رجوع إلى الله است.^[1]

ارزیابی دیدگاه علامه طباطبائی

به نظر ما این بیان فی نفسه بیان تامی نیست؛ زیرا می‌گوییم دو نوع توبه وجود دارد:

1. یکی در جایی که کسی مؤمن است و گناهی کرده و می‌خواهد به خدا رجوع کند.

2. یکی هم در جایی که اصلاً مشرک است و می‌خواهد توبه کند، کافر است و می‌خواهد به اسلام برگردد؛ یعنی آیا کسی که کافر است توبه درباره‌اش معنا ندارد؟ درباره کافر متعلق توبه‌اش اصل الکفر است، در مورد مؤمن متعلق توبه‌اش گناهان دیگری غیر از شرک است که انجام داده، ولی درباره هر دو، توبه معنا دارد، هم درباره مشرک و هم درباره کافر و هم غیر از اینها. لذا این بیان که می‌فرماید موردش عدم ايمان است «و لا توبة معه»، وجه قابل قبولی نیست و ما نمی‌توانیم این را به عنوان یک دلیل صحیح بدانیم.

ایشان در ادامه می‌فرماید: «على أن التوبة يغفر معها جميع الذنوب حتى الشرك»؛ با توبه شرک کنار می‌رود و مورد غفران قرار می‌گیرد؛ به دلیل «قل يا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعاً»^[2]، جواب این است که این اول الدعواست، این‌که می‌خواهیم ببینیم آیا «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ» مخصص این است یا نه؟ شما از عمومش می‌خواهید استفاده کنید که آن آیه مخصص نیست. پس نمی‌شود از آن آیه این مطلب را استفاده کرد.

ما در قرآن یک عموماتی درباره توبه داریم مانند: «هو الذي يقبل التوبة عن عباده»^[3]؛ یعنی اینها عام است و فرقی بین مشرک و غیر مشرک نمی‌کند و مانند آیه «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً» است، «غافر الذنب و قابل التوب شديد العقاب»^[4]، این هم یک عام دیگری است. «فإني لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحاً»^[5]؛ یعنی کلام در این آیات هم عین کلام «يا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم» است و فرقی نمی‌کند.

بررسی احتمال اول

احتمال اول این است که بگوئیم «ان الله لا يغفر أن يشرك به» مخصص تمام این آیات قرار می‌گیرد، لذا نمی‌توانیم با خود عموم این آیات بگوئیم پس این مخصص نیست و این احتمال تخصیص به حسب ظاهر و اولی وجود دارد. اینجا چه باید کرد؟ یک تتبعی در آیات دیگری از قرآن کردم ببینیم آیاتی که موضوعش شرک باشد و خداوند تبارک و تعالی آنجا مسئله توبه را مطرح کرده باشد داریم یا نه؟ دیدم چند آیه بسیار خوب وجود دارد.

(وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا * يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَخُلُدْ فِيهِ مُهَانًا * إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا)

در این آیه خداوند متعال می‌فرماید: هر کس این کارها را انجام دهد جزای خودش را می‌بیند؛ یعنی آن‌که مشرک بوده و قتل نفس انجام داده، زنا کرده و عذاب شدید چینی برای اینها در روز قیامت قرار داده شده است. اگر در همین دنیا توبه کرد پس معلوم می‌شود مشرک می‌تواند توبه کند. این قابل این نیست که ما بگوئیم «إن الله لا يغفر أن يشرك به»، نسبتشان با آن نسبت تباین می‌شود؛ یعنی نسبت این با آن عکس می‌شود و این آیه مخصص آن است.

به بیان دیگر، اگر از ما بپرسند: «إن الله لا يغفر أن يشرك به»، به چه دلیل به فرض عدم توبه اختصاص دارد؟ می‌گوئیم به دلیل این آیه 69 سوره فرقان، که در اینجا «إلا من تاب» را در فرض مشرک بودن آورده است. پس معلوم می‌شود اگر مشرک در این دنیا توبه کرد، توبه‌اش قابل قبول است و آن آیه «لا يغفر» اگر کسی مشرکاً از دنیا برود.

یک تعبیری در تفسیر المیزان آمده (و در فرمایشات استاد بزرگوارمان در تسنیم و در کلمات مواهب الرحمن مرحوم سبزواری هم هست) که بگوئیم: «لا يغفر أن يشرك به»؛ یعنی تا آخر عمرش مشرکاً از دنیا برود. از کجای این استفاده می‌شود؟! مضارع دلالت بر اصل استمرار دارد؛ یعنی یک مقداری از زمان را با شرک بوده، اما این‌که این تا آخر عمرش مشرک بوده الآن مثل اینکه می‌گوئیم «لا ينال عهدى الظالمين»^[6]، که اسم فاعل هم دلالت بر استمرار دارد؛ یعنی تا آخر عمرش هم ظالم باشد یا این‌که اگر تلبس به ظلم هم پیدا کرد کافی است؟

«لا يغفر أن يشرك به»، اگر تلبس به شرک پیدا کرد و این شرک هم به مقداری از زمان استمرار پیدا کرد کافی است، ما از کجای این بفهمیم که «لا يغفر أن يشرك به و مات مشرکاً»، بعد بگوئیم «مات»، پس توبه هم نکرده! نمی‌شود به این روشنی از این استفاده کرد، ولو هر سه بزرگوار روی کلمه «يُشْرِك» به صیغه مجهول تکیه دارند! بهترین بیان این است که همین آیه 70 سوره فرقان را مخصص برای آن آیه نساء قرار بدهیم.

مطلب دیگر آن است که عموماً آن‌که دلالت دارد بر اینکه خدا هر توبه‌ای را از هر گناهی قبول می‌کند منحصر به سوره زمر نبوده و آیات زیادی داریم. دوم این‌که باید دید در خصوص شرک مسئله توبه آمده یا نه. آیاتی می‌آوریم که در مورد خصوص شرک خدا فرموده توبه را قبول می‌کنیم، ولو این شرک هم مسبوق به اسلام هم باشد؛ یعنی شرک از نظر قرآن قابلیت توبه دارد که یکی از این آیات، آیه 70 سوره فرقان است، یکی هم آیه 67 سوره قصص است.

آیات 64 - 67 سوره قصص

(قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ * وَ قِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَ رَأُوا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يُهْتَدُونَ * وَ يَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ * فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ * فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَعَسَى أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ)

این آیات مربوط به مشرکین است، خدا درباره مشرکین وعیدهایی می‌دهد و بعد می‌فرماید: «فأما من تاب و آمن و عمل صالحاً فعسى أن يكون من المفلحين»، پس معلوم می‌شود که شرک قابل توبه است.

همچنین آیه 3 سوره هود و آیه 52 سوره هود، همه دلالت بر این دارد که از نظر قرآنی مشرک اگر توبه کرد توبه‌اش قابل قبول است، منتهی ما یک اطلاقی را استفاده کنیم، برای بحث ارتداد می‌خواهیم یک شرک مسبوق به اسلام را هم بگوئیم اگر کسی مشرک شد مسبوق بالاسلام، ولو ارتداد فطری باشد، این یک توبه ولو به نحو اجمال باشد، البته نمی‌خواهیم بگوئیم این توبه یعنی اینکه این نباید کشته شود. این بحث را که مطرح کردم برای اینکه آنجا استفاده کنیم که توبه فی الجمله ولو بالنسبه إلى المشرکین که مسبوق به اسلام هم هست ولو حالا ارتدادش ملی یا فطری باشد دارای اثر است، اینکه اثرش چیست را بعداً عرض می‌کنیم.

پس ما نمی‌توانیم بگوئیم این عمومات «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً» قرینه می‌شود بر اینکه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ» مربوط به عدم توبه است و اینکه محل نزاع است، یا «إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ»، لذا ما آیات متعددی در قرآن داریم بر این‌که توبه مشرک پذیرفته می‌شود. پس مسئله تخصیص نیست بلکه اختلاف، اختلاف موضوعی است.

دیدگاه زمخشری

زمخشری می‌گوید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ» یعنی «عدم توبه»، بعد «يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ» یعنی فرض توبه^[7]، به نظر ما این هم غلط است، این دو آیه سوره نساء مجموعش مربوط به فرض عدم توبه است؛ یعنی خدا می‌فرماید: اگر کسی توبه نکرد و از دنیا رفت، اگر مشرک بود بداند روز قیامت خدا او را نمی‌بخشد، اما اگر گناهانش ما دُونَ شرک بود امید به رحمت خدا داشته باشد آن هم البته لَمَنْ يَشَاءُ، اینکه مورد مشیت خدا قرار می‌گیرد می‌بخشد.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1]. الميزان في تفسير القرآن، ج 4، ص 133.

[2]. سوره زمر، آیه 53.

[3]. سوره شوری، آیه 25.

[4]. سوره غافر، آیه 3.

[5]. سوره طه، آیه 82.

[6]. سوره بقره، آیه 124.

[7]. الکشاف، ج 1، ص 418.